

بنام خدا

سخنرانی مراسم فارغ التحصیلی سال ۱۳۸۳

خانم‌ها و آقایان سلام و درود بر شما - ایام شادی به مناسبت دهه مبارک فجر بر شما مبارک باد

دانش آموختگان عزیز، والدین محترم، استادان ارجمند خسته نباشید. امروز ما شاهد به ثمر نشستن سالها تلاش شما بزرگواران هستیم.

به نظر می‌رسد که آموزش، حرفه و شغلی که انسانها در زندگی اختیار می‌کنند در نحوه نگرش و تشبیهات اونها از زندگی هم تأثیرگذار است.

مثلاً شنیدم که میگن: ریاضیدانها زندگی رو به اعداد پیچیده (Complex) تشبیه می‌کنند که هم قسمت حقیقی (Real) و هم قسمت موهومی (Imaginary) داره،

من یک مهندس مکانیکم. و ما مکانیکی‌ها هم گاهی اوقات، ناخودآگاه برخی رویدادهای زندگی رو با تشبیهات مکانیکی مورد بررسی قرار می‌دیم.

می‌خوام سخنانمو با این سؤال از شما شروع کنم:

چه تعدادی از شما عزیزان امروز برای آمدن به دانشگاه رانندگی کردید؟

در حین رانندگی حتماً به آینه‌های کوچک بغل و عقب هم نگاه کردید. نگاه کردید که ببینید چه چیزی پشت سر شماست و یا اینکه چه چیزهایی را پشت سر گذاشته‌اید.

گاهی اوقات اتفاق می‌افته که وقتی خیلی زیاد توی این آینه‌ها نگاه می‌کنید و از شیشه جلو غافل میشوید، با خودرو یا هر چیز دیگری که جلوی شماست تصادف می‌کنید. چرا؟ چون به مسیر و به جایی که می‌خواستید برید نگاه نمی‌کردید!

می‌خوام توجه شما رو به این نکته جلب کنم که به دوره تحصیلی که امروز تمام کردید، به صورت یک آینه عقب یا بغل بنگرید. شما این دوره رو پشت سر گذاشتید و حالا دیگه جزو گذشته شماست.

در چند روز و چند هفته آینده که به تدریج از شوق فارغ التحصیلی شما کاسته می‌شه و آتش جشن‌های فارغ التحصیلی تون فروکش می‌کنه، شما باید افکارتونو متمرکز کنید که چه چیزهایی پیش روی شماست؟ باید به جلو نگاه کنید! همانطور که برای رفتن به جلو به شیشه اتومبیل خود نگاه می‌کنید. آینده رو از اونجاست که میتونید ببینید. پتانسیل‌های شغلی شما به عنوان مهندس، محقق، دانشمند، کارشناس و ... در آنجا ظاهر می‌شند.

توجه شما رو به تفاوت اندازه شیشه اتومبیل و آینه عقب یا بغل جلب می‌کنم. بر طبق محاسباتی که تا شش رقم اعشار کردم، این نسبت‌ها صحیح به نظر می‌رسند! البته به هیچوجه قصد ندارم دستاوردی رو که امروز بهش

رسیدید کم اهمیت جلوه بدم. و فقط می‌خوام به این نکته اشاره کنم که نسبت مدرک تحصیلی شما از نظر اندازه به پنجره یا شیشه شغلی شما در حرفه‌ای که آموزش دیدید مثل نسبت آئینه عقب به شیشه جلوی خودروی شماست.

اگر سه آئینه بغل و عقب اتومبیل رو از نظر اطلاعاتی که در اختیار شما می‌گذاره مشابه ليسانس و فوق ليسانس و دکتری ببینیم، امروز برخی از شما فعلاً یک آئینه، برخی دو آئینه و برخی سه آئینه یا بیشتر دارید. حتی با داشتن تمامی این آئینه‌ها هنوز به شیشه جلو برای به اینکه به پیش برید، نیازمندید.

نکته‌ای که می‌خوام بگم اینه که اگر چه تحصیلات دانشگاهی قطعاً برای پیشرفت شغلی و آینده حرفه‌ای شما ضروریه، اما کافی نیست! هنوز فاکتورها و عوامل دیگری وجود دارند که می‌تونند بر موفقیت‌های شغلی شما تأثیرگذار باشند. دوست دارم چند تا از این عوامل رو که به تجربه کسب نمودم به شما هدیه کنم:

۱- از آموزش مستمر، خلاقیت و ابتکار عمل در هر کاری که می‌کنید، غافل نشید. قدرت خلاقه رو در مهارت‌ها و قابلیت‌های خود بکار ببندید. معمولاً این مهارت‌ها و قابلیت‌ها شما رو به یک پایه معینی از حرفه خود می‌رسونه. اما اون چیزی که شما رو به پایه بالاتری می‌بره و از بقیه متمایز می‌کنه، ابتکار عمل در حرفه و شغلی است که انتخاب کردید.

۲- در رشته و حرفه خود با عشق و قلبی کار کنید. حتما شنیدید که میگن فلانی با عشق و علاقه کار می‌کنه. با حسن نیت و قلبی کار می‌کنه. وقتی آدم عشق و علاقه رو در حرفه خود بکار نمی‌گیره، تمام قابلیت‌ها، مهارت‌ها و ابتکارها به هدر می‌رند.

۳- پشتکار و استقامت داشته باشید. همیشه انسان هر چیزی رو که می‌خواد بلافاصله بدست نمی‌آره! شکست هم جزوی از تجربیات زندگیه. معمولاً شکست به دو صورت در زندگی اتفاق می‌افته:
اول با انجام کاری که ناشی از یک انتخاب یا تصمیم نادرست ما بوده، و دوم بدلیل شرایطی که خارج از کنترل ما بوده.

چند سال پیش گزارشی رو می‌خوندم که شخصیت مدیران ۵۰۰ شرکت موفق آمریکایی رو (Fortune Companies) مورد مطالعه قرار می‌داد. یکی از ویژگی‌های مشترک همه این مدیران که اون‌ها رو از سایرین متمایز می‌کرد این بود که قادر بودند شکست‌ها رو تحمل کنند و پشت سر بزارند و بر مشکلات غلبه کنند.

۴- تواضع و فروتنی در روابط اجتماعی، مخصوصاً با همکاران خود. متأسفانه بعضی وقتها در جامعه با پدیده خود بزرگ‌بینی در برخی از افراد مواجهیم. حتماً آدمهایی رو که اینطوری رفتار می‌کنند، دیدید. به نظر من این یک بیماری است. خودتون می‌دونید که چه احساسی به آدم دست می‌ده وقتی شخصی با شما با تکبر و لاف صحبت می‌کنه. حتماً احساس خوبی نیست.

پس توصیه من به شما عزیزان اینه که در زندگی اکستریم یا حد دیگر رو انتخاب کنید. یعنی تواضع و فروتنی کامل. درضمن از مدرک شریف هم برای توستی زدن به دیگران استفاده نکنید. در عوض اجازه بدید که اعمال، رفتار و عملکرد شما گوینده قابلیت‌ها و توانایی‌های علمی و کم نظیرتون باشه.

۵- صداقت و درستی رو در کارتون فراموش نکنید. این هم وجه دیگریه که متمایز کننده اعتبار شغلی و شخصیتی شماست و تضمین کننده موفقیت‌های بعدی است.

حالا اگر اجازه بدید در پایان می‌خوام توجه همگی شما رو به متنی که برای امروز تحت عنوان “دعای فارغ‌التحصیلی” نوشته ام جلب کنم. این متن توسط یکی از فارغ‌التحصیلان ممتاز دانشگاه به نام آقای مهندس سیدحنیف محبوبی قرائت می‌شود:

بسم الله الرحمن الرحيم

پرودگارا

تو را شکر می‌گویم که به من قدرت یادگیری و کسب دانایی بخشیدی
راه استفاده خردمندانه از آن را نیز به من نشان ده
تا در خدمت ملت، فرهنگ، و کشورم باشم
و زندگی را بر هم‌نوعانم آسانتر کنم

بارالها

کمکم کن تا بر مشکلات زندگی و جامعه غلبه یابم
به من ایمان و جرأت عطا فرما و روزهای عمرم را هدفمند نما
و به من راه خدمت مؤثر و خالصانه را نشان ده تا
آموزشی را که دیده‌ام، دانش و مهارتی را که اندوخته‌ام به درستی و بطور کامل در خدمت جامعه قرار دهم.
علم و دانایی را با آموزش کسب نمودم، همانا که
فرزانتگی، خردمندی و معرفت را از تو آرزومندم.

آمین یا رب العالمین

علی مقداری